

اصول، قواعد و رویه های عام برای استانداردسازی اسامی جغرافیای و کاربرد آنها در رابطه با نام خلیج فارس

کوروش احمدی

کارشناس وزارت خارجه

کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه پاریس

kouahmadi@yahoo.com

چکیده

ابزارهای پیچیده ارتباطی و پیشرفتهای حاصله در امور رسانه ای موجب رشد قابل ملاحظه استفاده از اسامی جغرافیایی در عصر جدید و نیز افزایش اهمیت این اسامی در ارتباطات بین المللی شده است. طی بیش از یک قرن گذشته تلاشهای سیستماتیک در سطوح ملی و بین المللی برای نیل به اجماع در مورد اسامی جغرافیایی صورت گرفته و برای این منظور نهادهایی در چارچوب سازمان ملل و نیز در داخل بسیاری از کشورها بوجود آمده است. تلاشهای این نهادها طی بیش از یک قرن گذشته منجر به شکل گیری شماری از اصول، قواعد و رویه های عام برای استانداردسازی اسامی جغرافیایی شده که توجه به آنها می تواند مبنای مناسبی برای رفع اختلافات در این حوزه باشد. هدف این مقاله ارائه این اصول، قواعد و رویه ها و بررسی کاربرد آنها در جهت کمک به تداوم و تثبیت نام خلیج فارس است.

واژه های کلیدی: اصول، قواعد، استانداردسازی، خلیج فارس

استانداردسازی اسامی جغرافیایی

از اواخر قرن نوزدهم تلاشهای منظمی برای تدوین مجموعه استانداردها و قواعدی، اعم از توصیه ای و الزام آور، در سطح ملی و بین المللی برای استاندارد سازی اسامی جغرافیایی صورت گرفته است. هدف این تلاشها این بوده که هر عارضه جغرافیایی به نحوی منحصر به فرد نامگذاری شود، نام تعیین شده در داخل کشورها مورد اجماع بوده و در سطح بین المللی مورد شناسایی قرار باشد و ابهامی در مورد آن وجود نداشته باشد. مطابق تعریف ارائه شده "استاندارسازی عبارت است تجویز یا توصیه یک نام خاص برای یک عارضه جغرافیایی مشخص و نیز تعیین نحوه بکارگیری آن."¹ برای این منظور در سطح ملی و بین المللی نهادهایی برای پیشبرد و اعتلای استانداردسازی اسامی و فعالیت در جهت تحقق این هدف که هر عارضه جغرافیایی یک نام منحصر به فرد داشته باشد، صورت گرفته است.

وظایف اصلی "کنفرانس سازمان ملل در مورد استانداردسازی اسامی جغرافیایی"¹ و "گروه کارشناسان سازمان ملل در مورد اسامی جغرافیایی"² مشتمل است بر تشویق و ترغیب دولتها به ایجاد نهادهای ملی استانداردسازی اسامی

¹ the UN Conference on the Standardization of Geographical Names (UNCSGN)

جغرافیایی و اعتلای اسامی واحد و استاندارد در سطح بین المللی. این نهادها همچنین در جهت جلب موافقت بین المللی در ارتباط با اسامی جغرافیایی و همکاری بین برنامه های ملی تلاش می کنند. با این حال، در خور ذکر است که هیچ یک از این نهادها اختیار تصمیم گیری در مورد اسامی جغرافیایی یا حکمیت در ارتباط با اختلافات در این حوزه را ندارند. به عنوان مثال، این نهادها هیچ گاه نظری در مورد اختلاف در مورد نام خلیج فارس ابراز نکرده و این موضوع اساسا در دستور کار آنها نبوده نشده است. ایران تنها یکبار یک گزارش کاری در مورد نام خلیج فارس^[۲] به بیست و سومین نشست گروه کارشناسان ارائه کرده و طی آن سوابق و اسناد مربوط به استفاده تاریخی از این نام و اعتبار حقوقی آنرا برشمرده است. این گزارش کاری همراه با گزارشهای دیگری که از سوی دیگر کشورها در ارتباط با موضوعات خاص خودشان به گروه کارشناسان ارائه شده، در سوابق این گروه ثبت شده است. دیگر کشورها در مورد این گزارش کاری ایران واکنشی نشان نداده اند. تنها رئیس گروه کاری اسامی غیر محلی^۳ در نشست مربوطه دقت تاریخی محتوای گزارش را مورد تایید قرار داد و در عین حال خاطر نشان ساخت که "کشورها نمی توانند ایجاد و استفاده از نامهای غیر محلی را منع کنند."^[۳]

علی رغم محدودیتهای، فعالیت نهادهای ملی و بین المللی مسئول استانداردسازی اسامی جغرافیایی تاکنون امکان داده که مبانی عامی، شامل اصول، قواعد و رویه هایی برای قاعده مند کردن نامهای جغرافیایی، بویژه آن دسته از این نامها که خارج از حوزه حاکمیت ملی یک کشور خاص هستند، ایجاد شود. پیشرفتهای در این حوزه را می توان توفیق بزرگی برای این نهادها بشمار آورد. توجهی که تا کنون از سوی نهادهای ملی و بین المللی به اسامی عوارض جغرافیایی خارج از چارچوب حاکمیت ملی کشورها شده است، بویژه می تواند برای کمک به تثبیت نام خلیج فارس مورد استفاده قرار بگیرد.

اصول، قواعد و رویه های عام برای استانداردسازی اسامی جغرافیایی

اختلافات در مورد اسامی جغرافیایی تنها در صورتی می توانند به نحوی اثربخش مورد بحث و بررسی قرار گیرند که روشهایی مشخص برای استانداردسازی این اسامی وجود داشته و مجموعه ای از اصول، معیارها و قواعدی عام که کم و بیش مورد اجماع کشورها باشد، شکل گرفته باشد. در حالیکه دو نهاد بین المللی فعال در حوزه استانداردسازی اسامی جغرافیایی اختیار تصمیم گیری در مورد اسامی خاص را ندارند، با این حال اصول و رویه های عامی که از مباحث مطروحه در این نهادها قابل استخراج است، می توانند به عنوان معیارهایی برای برخورد با اسامی مورد اختلاف مورد استفاده قرار گیرند. از آنجا که اختلافات موجود و اختلافات احتمالی آتی در مورد اسامی جغرافیایی می تواند بر همکاری بین کشورها در سطوح منطقه ای و بین المللی اثرات سوء زیادی داشته باشد، جامعه بین المللی طی حدود یک قرن گذشته نشان داده که نسبت به پیگیری تلاشها برای تدوین قواعد و رویه های لازم برای استانداردسازی اسامی جغرافیایی خارج از حاکمیت ملی کشورها راسخ است.

کنفرانس استانداردسازی در قطعنامه شماره ۲۴ دومین نشست خود تاکید کرد که نبود یک کنوانسیون یا هر گونه سند بین المللی دیگر که تعیین کننده قواعد و رویه های لازم برای نامگذاری عوارض جغرافیایی موجود در خارج از

² the Group of Experts on Geographical Names (UNGEGN)

³ the Working Group on Exonyms

چارچوب حاکمیت ملی کشورها باشد، مانعی در راه تدوین نقشه ها و دیگر اسناد لازم برای استفاده بین المللی است. در این قطعنامه همچنین تصریح شده که یک سند خاص که تحت نظر سازمان ملل تدوین شود، می تواند یک بنیاد عام برای تصویب قواعد و رویه های تکنیکی برای نامگذاری انواع عوارض جغرافیایی که خارج از چارچوب حاکمیت ملی کشورها قرار دارند، ایجاد کند. این قطعنامه همچنین توصیه می کند که گروه کارشناسان با همکاری دیگر نهادهای مربوطه در سازمان ملل و دیگر سازمانهای ذی صلاح بین المللی امکان تدوین چنین سندی را مورد بررسی قرار دهند.^[۴] تا کنون در چارچوب نهادهای سازمان ملل و نیز نهادهای ملی و نیز در سطوح کارشناسی نظرات و تصمیماتی در ارتباط با اصول و رویه های راهنما گرفته و توصیه هایی ارائه شده است. تدوین چنین قواعد و اصولی همواره از جمله مشغله های نهادهای ملی و بین المللی مربوطه بوده است. اگرچه نهادهای بین المللی پیوسته تلاش داشته اند تا از درگیر شدن در اختلافات سیاسی بین کشورها در مورد نامها اجتناب کنند، اما توصیه های کلی آنها در مورد چگونگی استاندارد کردن اسامی می تواند در جریان تلاشها برای حل اختلافات موجود مورد استناد قرار گیرند. هر گونه پیشرفتی هر چند اندک در این جهت می تواند کمک بزرگی در جهت کاهش اختلافات در مورد نامهای جغرافیایی و کاهش امکان منازعه و درگیری بشمار رود. در زیر به شماری از این قواعد و رویه ها که تاکنون تدوین شده و مورد اجماع نسبی جامعه جهانی قرار دارند، اشاره شده است:

۱- استانداردسازی اسامی جغرافیایی بر مبنای استفاده محلی

نخستین کنفرانس سازمان ملل در مورد استانداردسازی اسامی جغرافیایی توصیه کرد که شماری از عوامل از سوی مقامات مسئول برای نامگذاری، پیشنهاد نام جدید یا تغییر نامها مورد نظر قرار گیرد. این عوامل عبارت اند از:

- نامهای مورد استفاده در زمان حاضر
- سابقه تاریخی،
- سابقه و زمینه موجود در مناطق چند زبانه و زبانهای غیر نوشتاری،
- اجتناب از انتخاب بیش از یک نام برای هر عارضه جغرافیایی.^[۵]

قطعنامه شماره ۴ کنفرانس نخست همچنین توصیه کرد که در استاندارد کردن هر نام جغرافیایی "نام و معنی آن مطابق برداشت مردم محل" ... "نقشه های مدرن و قدیمی و دیگر منابع تاریخی"، "گزارشهای سرشماری، نامنامه ها و دیگر اسناد مربوطه و با ارزش" مورد استفاده قرار گیرد. به همین ترتیب، کنفرانس هفتم نیز طی قطعنامه ای تاکید می کند که "هر جا که ممکن باشد، استاندارد سازی اسامی در سطح ملی بر مبنای کاربرد حال حاضر اسامی که از طریق مطالعات میدانی صورت می گیرد، انجام شود. در این رابطه، توضیح داده شده که یک نام زمانی به عنوان نام یک عارضه جغرافیایی محسوب می شود که از یک سو در عمل برای آن عارضه بکار رود و از سوی دیگر در اسناد مکتوب همچون متون ادبی و خصوصا در نامنامه های جغرافیایی و فهرستها و نیز در نقشه ها و چارتهای دریایی مورد استفاده قرار گرفته باشد.^[۶]

۲- یک عارضه جغرافیایی، یک نام واحد

در صورت امکان قاعده "یک عارضه جغرافیایی، یک نام واحد" باید حاکم باشد و از بکارگیری دو نام یا بیشتر برای یک عارضه جغرافیایی اجتناب شود. به عبارت دیگر بر مبنای این قاعده باید از یک نام برای دو عارضه homonyms یا دو نام برای یک عارضه استفاده نشود. بطور کلی، استفاده از بیش از یک نام برای هر یک عارضه جغرافیایی می تواند برای دریانوردان، تجار، رسانه ها، دفاتر پست، محققان و مانند آن ایجاد مشکل می کند. نهادهای مربوط به استانداردسازی اسامی در سطح ملی و بین المللی در درجه اول برای حل این مشکل و انتخاب یک نام برای یک عارضه جغرافیایی به وجود آمده اند. در این مورد هدف در واقع جلوگیری از شرایطی است که در آن یک موسسه بین المللی یک نقشه با یک نام برای یک مکان و دیگری نقشه ای دیگر با نامی متفاوت برای همان مکان منتشر کند.

گاه ممکن است نیل به این هدف ایده آل دشوار باشد؛ خصوصاً در ارتباط با مناطق چند زبانه یعنی جایی که یک عارضه جغرافیایی بین چند ناحیه با زبانهای متفاوت توزیع شده باشد. در چنین شرایطی مقامات استانداردسازی اسامی می توانند به طرق زیر عمل کنند:

الف: تنها یک نام بر مبنای معیارهای مشخص به عنوان نام رسمی انتخاب شود،

ب: یک یا چند نام مورد شناسایی قرار گرفته و برای استفاده در دیگر زبانها ارائه شود. این نامها نباید از نظر رسمیت و مرتبه با هم برابر باشند و تنها برای استفاده در شرایط خاص انتخاب شوند. اما همواره باید تنها یکی از آنها برای استفاده در سطح بین المللی توصیه شوند.

۳- اجتناب از تغییر نامها

سنت و به دنبال آن قانون حافظ اسامی جغرافیایی است. لذا، از تغییر نامها، یعنی تغییر رسمی اسامی مکانها، عارضه های جغرافیایی یا مناطق که مدتهای متمادی مورد استفاده بوده و برای عموم آشنا و مانوس است، باید اجتناب شود یا حداقل چنین اقدامی تشویق نشود. این اصل هم در حوزه های داخلی کشورها با توجه به تغییر دولتها کاربرد دارد و هم در سطح مناطق با توجه به سیاستهای متغیر منطقه ای. جوامع انسانی بطور کلی متمایل به ثبات اسامی جغرافیایی اند؛ چرا که این امر به تثبیت شرایط محیطی و جریان آرام و نظام مند زندگی انسانها کمک کند.^[۷]

نامهای جغرافیایی دارای کارکرد مبنایی عمده ای در زبان هستند. هر نام مشخص کننده و معرف یک عارضه جغرافیایی، یک مکان یا منطقه است. این کارکرد خود مستلزم حد بالایی از ثبات در اشکال گفتاری و نوشتاری نامها و چگونگی کاربرد آنها است. نتیجتاً، تغییرات در نامهای موجود نباید بدون دلیلی جدی صورت گیرد. هیات نامهای جغرافیای آمریکا در "اصول، سیاستها و رویه ها" تصریح می کند که "این هیات تغییر در نامهای جغرافیایی رسمی را تشویق نمیکند و راساً دست به اقدامی برای تغییر در نامهای جغرافیایی نمی زند؛ مگر در موارد نادر مانند اسامی سخره آمیز و دوگانگی در نامگذاری."^[۸]

یکی از اصول مورد عمل هیات اسامی جغرافیای آمریکا این است که هیچ کشوری نمی تواند و نباید یک نام سنتی یک عارضه جغرافیایی را که ورای حاکمیت ملی کشورها قرار دارد، تغییر دهد. هیات مذکور این اصل را در موارد متعددی بکار برده و بر اساس آن نظر داده است؛ نظری که رعایت آن برای دولت آمریکا الزام آور است. یکی از این موارد مربوط به نام خلیج فارس است. توضیح اینکه در جریان حمله عراق به کویت در سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ که نام خلیج

فارس کرارا در رسانه مورد استفاده قرار می گرفت، فرماندهان نظامی آمریکا در منطقه از هیات اسامی جغرافیایی آمریکا درخواست کردند که با تبدیل نام خلیج فارس به خلیج عربی موافقت کند. علی رغم نیاز آمریکا به رعایت نظر متحدان عرب خود در منطقه و نیز روابط غیر دوستانه بین ایران و آمریکا، کمیته اسامی خارجی نهاد مذکور با این درخواست موافقت نکرد. این کمیته که نمایندگان سیا، وزارت خارجه، وزارت دفاع و کتابخانه کنگره نیز در آن حضور داشتند، با استناد به اصل در خواست را رد کرد. این کمیته همچنین استدلال کرد که در نزدیکی خلیج فارس، "دریای عرب" وجود دارد و استفاده از اسم خاص "عربی" برای دو پهنه آبی که در نزدیکی یکدیگر قرار دارند می تواند مسئله ساز شود.^[۹]

۴- قدمت نامها

نامها نیز مانند موجودات زنده و به عنوان پدیده هایی جغرافیایی محصول روند گزینش طبیعی در طول زمان هستند. قدمت نامهای جغرافیایی یکی از معیارهای مهم در حوزه نامگذاریها است. همواره اجماعی در مورد ضرورت استفاده از قدیمی ترین و بومی ترین نامها و استفاده از این معیارهای در صورت بروز اختلاف وجود داشته است. نامهای قدیمی تر، یعنی نامهایی که که صدها سال مورد اجماعی بوده اند، مناسب تر از نامهای جدید و خلق الساعه اند. این نامها به موازات شهرت جهانی که دارند، در متون تاریخی، ادبی، شعر و رسانه ها تثبیت شده اند و انسانها از دوران کودکی و در کتابهای دبستانی با آنها آشنا می شوند. بنا بر این، هر تغییری در این نامها به معنی مقابله با گذشته و سنتها و میراث بشری است و موجب آشفتگی های عینی و ذهنی غیر ضروری می شود.

اهمیت پایبندی به نامهای سنتی تا حدی است که حتی ناپدید شدن علل پیشین و از میان رفتن منطق اولیه برای نامگذاری عوارض جغرافیایی موجب تغییر نامهای مربوطه نمی شود. به عنوان مثال دریای خزر همچنان به عنوان دریای خزر در زبانهای شرقی و مناطق اطراف پهنه آبی شناخته می شود، صرفنظر از اینکه ایل باستانی خزر که نام این دریا از آن گرفته شده، در زمانهای دور ناپدید شده است. یا دریای آدریاتیک نام خود را از شهر آدریا که در گذشته مهمترین شهر تجاری در شمال ایتالیا بود؛ گرفته است. یا مالاکا نیز در قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی مهمترین شهر در تنگه ای بود که اکنون همین نام را بر خود دارد.^[۱۰] اگر چه این دو شهر از بین رفته اند یا کوچک و بی اهمیت شده اند، اما اماکن جغرافیایی مربوطه همچنان نامهای سنتی خود را حفظ کرده اند.

Lukas Birsak با اشاره به تغییر شمار زیادی از نامها بعد از تحولاتی مانند جنگ جهانی دوم، استعمارزدایی، فروپاشی اتحاد شوروی و نیز تغییرات سیاسی در داخل کشورها تاکید می کند که "اکثر این تغییرات مربوط به نام اماکن بود. نام دریاها موضوع دیگری است. نام پهنه های دریایی بین المللی به عنوان اینکه به یک کشور تعلق دارند، مد نظر نیستند، چرا که آنها نامهای بیرونی exonyms با سنتی طولانی هستند. لذا باید دلایل خیلی قانع کننده ای برای تغییر آنها به مردم ارائه شود.^[۱۱] کارشناس دیگری بر آن است که درج یک نام جغرافیایی بر روی نقشه باید تابع منشاء و روند بسط تاریخی آن باشد. نامهای اصیل دریاها باید تا حداکثر ممکن حفظ شوند. به باور من اسامی قدیمی دریاها که در ادوار تاریخی مورد استفاده قرار داشته اند، باید در نقشه های جدید، اطلسها و کتابهای آموزشی محفوظ بمانند.^[۱۲] بر این استدلالها باید افزود که تغییر در نامهای اماکن بعد از استعمارزدایی و فروپاشی شوروی و نظایر آن در واقع بازگشت به نامهای قدیمی و سنتی بوده که در توسط استعمارگران و رهبران شوروی تغییر کرده بودند.

نهادهای استانداردسازی ملی و بین المللی از منطق مشابهی پیروی کرده و اصول مشابهی را تدوین کرده اند. کنفرانس سازمان ملل در مورد اسامی جغرافیایی توصیه کرده است که "باید از تغییر غیر ضروری اسامی اجتناب شود." [۱۳] در همین رابطه، بند E در دستور العمل هیات اسامی جغرافیایی آمریکا برای استانداردسازی نام عوارض زیر آب تأکیدی است بر اصل حفظ نامهای سنتی به شرح زیر:

"در مواردی که دو نام برای یک عارضه واحد وجود دارد، بطور عام نام قدیمی تر باید مورد قبول قرار گیرد. در جائیکه یک نام واحد برای دو عارضه متفاوت بکار برده شده، عارضه ای که نخست به آن نام نامیده شده، باید نام مذکور را حفظ کند." [۱۴]

در اختلافی که بین ژاپن و کره جنوبی بر سر نام دریایی که دو کشور را از هم جدا می کند وجود دارد، هر یک از دو طرف شواهد و قرائن تاریخی ارائه می کنند و می کوشند تا ثابت کنند که نام مورد نظر آنها از قدمت تاریخی بیشتری برخوردار بوده است. این معیار در دیگر اختلافات مشابه در سایر مناطق جهان بویژه خاورمیانه نیز وجود دارد. قدمت نامها یکی از مهمترین معیارها در اختلافات غیر سیاسی بر سر اسامی جغرافیایی، همچون اختلافات بین کانادا و آمریکا، نیز هست. ترنت پالمر بر آن است که "رویه های استانداردسازی معمولاً اصل قدمت را به رسمیت می شناسند." به عبارت دیگر، به نظر او اصل قدمت نام حتی می تواند بر حق یک دولت ساحلی برای نامگذاری عارضه جغرافیایی در منطقه انحصاری اقتصادی اش غلبه داشته باشد. [۱۵]

با توجه به مطالب فوق، قابل توجه است که تنها اسامی حدود ۱۰ درصد از ۲۰۰ پهنه آبی مهم جهان از قبیل دریا، خلیج و تنگه از دوران باستان سر چشمه گرفته اند و بخش قابل توجهی از آنها نیز در خاورمیانه قرار دارند. [۱۶] جالب تر اینکه خلیج فارس قدیمی ترین نام جغرافیایی برای یک پهنه آبی است. [۱۷] این در حالی است که در مقام مقایسه، طی تحقیقات جداگانه ای که توسط کره جنوبی و ژاپن در ارتباط با اختلافشان بر سر نامگذاری دریای ژاپن/دریای شرق صورت گرفته، هر دو طرف اتفاق نظر دارند که بر اساس اسناد و مدارک و نیز متون تاریخی و ادبی موجود در کتابخانه های معتبر جهان، دریای مذکور در اکثر نقشه هایی که قبل از قرن نوزدهم تهیه شده، فاقد هر گونه نامی بوده است. این بدین معنی است که جامعه بین المللی درک یا شناخت مشترکی در مورد نام دریای مذکور تا قبل از قرن نوزدهم نداشته است. [۱۸]

۵- کسب اطمینان از واضح بودن اسامی برای عموم جهانیان و رعایت حساسیتها در دوره استعمارزدایی

دو اصل در نامگذاری دریاها حائز اهمیت بسیار اند: یک، واضح بودن اسامی برای عموم جهانیان و دو، رعایت حساسیتها در دوره بعد از خاتمه سلطه استعمار. [۱۹] در دوره استعمار، استعمارگران اکثراً اسامی بومی و محلی را از میان برداشتند. با این حال، در بعضی موارد، اسامی استعماری، مانند اقیانوس آرام، موقعیتی جهانی یا فرا ملی یافتند، تثبیت شدند و مورد شناسایی قرار گرفتند. این یکی از موضوعاتی است که در حوزه اسامی جغرافیایی باید مد نظر قرار گیرد. البته لازم به یادآوری است که نام خلیج فارس که سابقه آن به قرن پنجم قبل از میلاد بر می گردد، در دوره استعمار مورد پذیرش قدرتهای غربی قرار گرفت. لذا این نام بدون اینکه نامی استعماری باشد، از سوی قدرتهای استعماری پذیرفته و بکار برده شد. لذا تحت تاثیر موج فعالیتهای مربوط به اسامی بومی، استعماری و بعد از دوره استعمار قرار نگرفت.

قاعده استفاده از نامهای رایج در محل^۴

در اینجا بی مناسبت نیست که نگاهی نیز به قاعده نامتعارفی که توسط "گوگل زمین"^۵ اختیار شده، افکنده شود: متعاقب سیاستی که "گوگل زمین" در مورد نامگذاری آبهای بین المللی اتخاذ کرد و بر اساس آن از نام "خلیج عربی" نیز استفاده کرد، اعتراضات گسترده ای از سوی ایرانیان صورت گرفت. در پی این اعتراضات وبلاگ سیاست عمومی گوگل در ۸ آوریل ۲۰۰۸ اقدام به انتشار متنی کرد که می توانست به نحوی غیر مستقیم به معنی پاسخ به اعتراضات گسترده ایرانیان باشد. در این متن خاطر نشان شده که:

"گوگل نباید در اختلافات ژئوپلیتیک جانب یکی از طرفهای اختلاف را بگیرد. برای این منظور ما اقدام به اجرای سیاست واحدی تحت عنوان قاعده تفوق استفاده از نامهای رایج در محل کرده ایم. در چارچوب این سیاست، "گوگل زمین" انگلیسی از نام رایج، مشترک و محلی برای یک پهنه آبی که توسط کشورهای ساحلی انتخاب شده، استفاده می کند. اگر همه کشورهای ساحلی در این مورد اتفاق نظر داشته باشند، در نتیجه یک نام واحد مشترک استفاده می شود. در صورت وجود اختلاف بین کشورهای ساحلی در مورد نام خاص برای پهنه آبی مورد نظر، سیاست گوگل این خواهد بود که هر دو نام را مورد استفاده قرار دهد و در نزدیکی قلمرو هر کشور نام مطلوب آن کشور بر روی نقشه درج شود."

مقاله گوگل در ادامه دلایلی را برای بکارگیری این سیاست ارائه کرده که اهم آن به شرح زیر است: "هر یک از سه صفت که در عنوان سیاست گوگل بکار برده شده، یعنی 'رایج بودن، مشترک بودن و محلی بودن' دارای اهمیت و ویژگی خاص خود است. مراد از 'رایج بودن' این است که هدف ما استفاده از نامهای مشهور و رایج و اجتناب از بکارگیری هر گونه نامگذاری تفننی و گذرا است. منظور از 'مشترک' این است که ما از نامهایی که به صورت روزمره و در سطحی گسترده مورد استفاده قرار دارد، استفاده می کنیم و از شناسایی سریع هر تغییر نامی که به صورت خود سرانه توسط دولتها انجام شود، خودداری می کنیم. به عبارت دیگر، اگر یک حکمران اعلام کند که از این پس اقیانوس آرام باید به نام مادرش خوانده شود، ما این چنین نامی را استفاده نخواهیم کرد، مگر اینکه این نام مورد استفاده عموم قرار گیرد. نهایتاً، مراد ما از 'محلی' این است که هدف ما انعکاس نامهای رایج و مشترکی است که توسط کشورهای ساحلی مورد استفاده قرار می گیرد، چرا که حقوقی برای این کشورها در حقوق بین المللی شناخته شده است."

وبلاگ سیاست عمومی گوگل در ادامه مدعی می شود که "به نظر ما، قاعده رایج بودن و محلی بودن ترکیب مناسبی از بیطرفی، عینیت مشروعیت را موجب می شود ... و می تواند امکان استفاده از همه نامهای رایج و مشترک مورد استفاده کشورهای ساحلی را بدهد." [۲۰]

استفاده گوگل از نامهایی که غیر از خلیج فارس، به نحوی گسترده مورد اعتراض ایرانیان قرار گرفته بود. لذا به نظر رسید که متن فوق الذکر در واکنشی غیر مستقیم به این اعتراضات در وبلاگ گوگل انتشار یافت. قاعده ای که گوگل

^۴ Primary Local Usage rule

^۵ Google Earth

آن را مبنای سیاستگذاریهای خود اعلام کرده نیز متعاقبا مورد اعتراض ایرانیان قرار گرفت و بر مغایرت آن با روشها و سنتهای آکادمیک تاکید شد. واقعیت این است که قاعده ای که گوگل به عنوان مبنای کار خود اعلام کرده، می تواند راهگشا و حتی مشوقی برای نامگذاری یا تغییر نام اماکن جغرافیایی با انگیزه های سیاسی باشد. در چنین چارچوبی، حاکمان خودکامه می توانند رسانه ها را ملزم به استفاده از نامهای مورد نظرشان کنند یا آنها را برای این منظور تطمیع نمایند. به این ترتیب هر گونه نام گذاری بوالهوسانه با اهداف شخصی، حزبی و سیاسی امکان بروز و ظهور می یابد و در مرحله بعد، قاعده مورد نظر گوگل برای درج آن در نقشه ها و متون علمی و آکادمیک نیز راه گشا می شود.

یکی از اشکالات عمده قاعده استفاده از نامهای رایج در محل عدم وجود معیارهای دقیق و روشن و نیز فقدان حد نصابهای لازم برای تصمیم گیری است. به عنوان مثال، سوال این است که "رواج استفاده از یک نام در محل" دقیقا به چه معنی است و حد کمی برای واجد شرایط شدن یک نام چقدر است؟ اندازه گیری برای واجد شرایط بودن یا نبودن چگونه انجام می شود؟ آیا باید نظر سنجی یا فراندوم برگزار شود؟ چه میزان پوشش خبری در رسانه ها کفایت می کند؟ و در این رابطه آیا آزادی مطبوعات و آزادی عمل روزنامه نگاران در بکارگیری یا عدم بکارگیری یک نام به عنوان یک عامل مهم مد نظر قرار میگیرد؟ آیا طول ساحل، وسعت، جمعیت و ... کشورهایی که در گیر اختلاف در مورد نام پهنه آبی هستند ملاک عمل خواهد بود یا خیر؟ دیگر اینکه آیا یکبار تصمیم گیری در مورد نام مورد استفاده در محل برای همیشه معتبر خواهد بود یا هر چند وقت یکبار باید در این مورد بازنگری شود؟

تردید نیست که چنین قاعده ای می تواند نهادهای مستقل را در برابر فشارهای سیاسی آسیب پذیر نماید. مثالی که گوگل خود در مقاله اش به کار برده، یعنی تغییر نام اقیانوس آرام، می تواند مبنای خوبی برای توضیح خدشه پذیری و ضعف استدلال این سیاست باشد. این مثال در واقع می تواند یادآور تصمیم خودسرانه عبد الکریم قاسم و عبد الناصر در مورد تغییر نام خلیج فارس در اواخر دهه ۱۹۵۰ باشد که بر مبنای ایدئولوژی آن دوره اتخاذ شد.

تصمیم گیریهای خود سرانه دیگری نیز طی چند دهه گذشته صورت گرفته است که نمی توانست و نمی بایست مبنای مورد تائید مراجع معتبر علمی و انتشاراتی در مورد اسامی سنتی عارضه های جغرافیایی قرار گیرد. به عنوان مثال اگر "گوگل زمین" در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ وجود داشت، آیا امروزه می بایست شاید وجود نامهایی مانند "رود پل پوت"، دریاچه عیدی امین"، دریای استالین شمالی" و نظایر آن باشیم. آیا در صورتی که چین با بیش از یک میلیارد جمعیت در دوره مائوتسه تونگ تصمیم می گرفت که اقیانوس آرام را "اقیانوس سرخ مائو" بنامد و همه رسانه های چینی و احزاب برادر نیز تبعیت می کردند، آیا این نام باید به جای اقیانوس آرام یا در کنار آن به کار می رفت.

از سوی دیگر، چنانچه چنین سیاستهایی می تواند مبنای کار باشد، گوگل خود در درجه اول باید ا روند رود را در کنار شط العرب بکار ببرد و از آنجا که کلیه کشورهای اطراف اسرائیل قلمرو تحت کنترل این کشور را فلسطین می نامند، این نام باید برای این منطقه به جای اسرائیل استفاده شود.

نتیجه‌گیری

اصول، قواعد و رویه‌هایی عامی که طی یک قرن گذشته در رابطه با استانداردسازی اسامی جغرافیایی شکل گرفته می‌توانند موید استفاده از نام خلیج فارس و نافی اسامی رقیب باشند. از نظر قدمت، پذیرفته شده که این نام قدیمی‌ترین نام یک پهنه آبی بین‌المللی است. قاعده واحد بودن نام‌های جغرافیایی و قاعده لزوم اجتناب از تغییر نامها موید حفظ نام خلیج فارس است. از آنجا که این نام هم تا در دهه ۱۹۵۰ در کشورهای عربی مورد استفاده بوده، دارای طبیعتی بومی و محلی است. استفاده یونانی‌ها، رومی‌ها و به تبع آنها بقیه مناطق جهان نیز حاکی از سنتی بودن و بین‌المللی بودن این نام است.

مراجع

- ¹ Paper submitted by the Secretariat to the Sixth UNCSGN, 1992, NY, E/CONF.85.CRP.3 20 July 92, P. 4
- ² Working Paper No. 61, Twenty-Third Session, Vienna, 28 March – 4 April 2006
- ³ Report of the UNGEGN on the work of its 23rd session, (Vienna, 28 March 2006), E/2006/57, p. 21
- ⁴ II/24 Standardization of names beyond a single sovereignty
- ⁵ I/4 National standardization, (1967)
- ⁶ VII/5 National standardization based on local usage
- ⁷ Kadmon, Naftali, *Toponymy, the Lore, Laws and Language of Geographical Names*, Vantage Press Inc., 2001, New York, , p. 211
- ⁸ Approved by: Board on Geographic Names Secretary of the Interior in 1981, BGN, Principles, Policies, and Procedures, http://geonames.usgs.gov/docs/pro_pol_pro.pdf, retrieved on Nov. 12, 2010
- ⁹ Randall, Richard r. *Place Names; How They Define the World – and More*, the Scarecrow, Press Inc., 2001, London, p. 60
- ¹⁰ Ormeling, Ferjan, *Sea Names Categories and Their Implications*, Proceedings of the 6th International seminar on the naming of seas: Special Session II 29th International Geographical Congress: Geography and Place Names: Political Geography of Sea Names. East Sea Society, Seoul, 2000, p. 5
- ¹¹ Birsak, Lukas, *The Naming of Seas in Austrian School Atlases*, The 13th International Seminar on the Naming of Seas and East Sea, April 26-28, Vienna, Austria, 2007. p. 1
- ¹² Marin P. Marinov, *Historical Development And Problems Of Antiquity Sea Names*, The 12th International Seminar on the Naming of Seas and East Sea, Oct. 19~21, 2006, Seoul, Korea, p. 11
- ¹³ I/4 National standardization, (1967),
- ¹⁴ The U.S. Board on Geographic Names, Advisory Committee on Undersea Features, *Policies and Guidelines for the Standardization of Undersea Feature Names*, 6 April, 1999
- ¹⁵ Palmer, Trent, *Geographic Names and UNCLOS*, accessed on 29 Aug. 2010 at: <http://www.gmat.unsw.edu.au/ablos/ABLOS05Folder/PalmerPaper.pdf>
- ¹⁶ Ormeling, Ferjan, op. cit. , p. 5
- ¹⁷ Munro, D. ed., *Chamber's World Gazetteer*, New York: Cambridge University Press, 1988
- ¹⁸ Northeast Asian History Foundation, 2007, East Sea; Japanese Ministry of Foreign Affairs, *A Historical Overview of the Name "Sea of Japan"* 2006
- ¹⁹ Rennie Short, John, *The Geopolitics of Naming Seas*, The 14th International Seminar on Sea Names Geography, Sea Names, and Undersea Feature Names, p. 1
- ²⁰ McLaughlin, Andrew, Director of Global Public Policy, [How Google determines the names for bodies of water in Google Earth](http://googlepublicpolicy.blogspot.com/2008/04/how-google-determines-names-for-bodies.html), Posted on April 8, 2008, retrieved on 1 Aug. 2010 at: <http://googlepublicpolicy.blogspot.com/2008/04/how-google-determines-names-for-bodies.html>,